

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعیدافغانی

۱۹/۰۱/۱۱

## فرب و اغواء گری پاکستان

### درقبال کشور ما پیگیرانه دنبال میشود!

میگویند درسیاسیت دوست و دشمن دایمی وجود ندارد. اساس سخن و مطلب و معیار در مصالح و منافع است. اینکه کی با کی در کدام مراحل و در کدام موارد و چی چیزی منافع و مصالح مشترک دارد، تعیین کننده میباشد. به فهم من این فورمول به ذات خویش کدام مشکل اساسی ندارد و قابل فهم نیز است. مشکل زمانی بروز میکند که این مصالح و منافع غیر انسانی باشند. بلی اصل مصلحت و منفعت خوب و انسانی همان منفعت است که در منافات به منفعت و مصلحت مشروع ثالث قرار نگیرد. مصلحت و منفعت شخص و یا مجموعه ثالث را تلف نکند. اینکه عزت، شرف و آبادی خویش را در بی عزتی، بی حرمتی و خرابی دیگری جست و جو کنند ایجاد گر مشکل، غیرقابل قبول و غیر انسانی است.

مسلم این است که مردم پاکستان و مردم منطقه در طول تاریخ با تمدن، فرهنگ و تاریخ مشترک درین خطه زندگی کرده اند، کارنامه ها و تاریخ فرهنگی مشترک دارند. جدا کردن این افتخارات و دست آورد های خوب مشترک تقریباً ناممکن است. اما روش و عمل کرد های دولتی به نام پاکستان مانند غده سرطانی که عمرش حتی کمتر از یک قرن است در تمام مدت موجودیت خویش مشکل افزاء و مصیبت بار برای ملت خود، منطقه و امر صلح بوده و است. مردم ما درین راستا بیشتر از همه ضرر دیده و قربانی داده اند.

بلی کشوری به نامی پاکستان کشوری است که بر سر زمین بیگانه به صورت غیر طبیعی مانند حایلی بین ابر قدرت های وقت ایجاد شده و حکام این کشور از همان آغاز به وجود آمدن خویش مانند یک پدیده نامیمون سبب قتل، غارت و کشتار های بیرحمانه انسانها و تباهی گردیده اند.

مشکل عمده و مرکزی دولت پاکستان با افغانستان از همان آغاز ایجاد این دولت مسأله خط غیر مشروع و نام نهاد دیورند بوده که از موجودیت آن به صورت غیر قابل پذیرش و خلاف تمام نورمهای بین المللی و به اثر وضعی که دولت پاکستان خلق کرده و پیگیرانه آنرا ادامه میدهد ۱۱۷ سال میگذرد. بلی این وضعیت، موجودیت خط غیر مشروع دیورند، حرص مادی و غیر انسانی نظامیان و جنرالان پاکستانی این کشور را به صورت پیگیر و دوامدار نگذاشته است و نمی گذارد که دولت مستقل، قوی و متکی به خود را در افغانستان ببیند و یا بپذیرد.

زامداران و پالیسی سازان اصلی پاکستان گاهی با به وجود آوردن نیرو های مخالف مسلح افغانستان و گاهی هم با استفاده از مبارزات و مبارزان به حق مردم افغانستان در طول تاریخ موجودیت خویش استفاده های نامشروع برده اند و میبرند.

زمانی و در بخشی از کشور های غربی و به نظر بعضی از محللین سیاسی تأکید برین بوده که روش حکومت ملکی امروزی حاکم در پاکستان از خط و روش پالیسی سازان اصلی پاکستان (ای اس ای) جدا است. چنانچه مسؤولین مهم امنیتی و سیاسی حکومت امروزی پاکستان بعد از به قدرت رسیدن آقای آصف علی زرداری در پاکستان به این موضوع صریحا اعتراف داشته اند (از جمله سفیر پاکستان در امریکا در حدود شش ماه قبل در مصاحبه به رادیو صدای امریکا - بخش پشتو). واقعیت چنین است که آی اس آی پاکستان در مورد مهم و اساسی تمام معلومات و برنامه های شان را در اختیار حاکمین ملکی قرار نمی دهند و مانند دولت در بین دولت مستقلانه عمل میدارند و زمانی هم برای تحقق بخشی از برنامه های خویش از دولت ملکی استفاده برده و زمانی هم جنرال متقاعد حمید گل را سخن گوی خویش ساخته و گفتنی های خویش را از دهن وی برای جهان به نمایش میگذارند.

بخشی از محللین سیاسی تأکید برین دارند که گویا غرب نباید این متحد خویش را یعنی حکومت ملکی پاکستان را با برخورد های غیر حساس از خود براند. تأکید برین بوده که گویا پاکستان سهم فعال در مبارزه علیه افراطی گری را دارد.

مسلم این است که قربانی تجاوز و افراطی گری مردم این خطه و مردم صلح دوست جهان اند. اما پالیسی سازان و تاجران خون و نفرت همیشه ازین وضع به شمول حکمای پاکستانی منفعت مادی بس عظیم برده اند و میبرند. بلی اینها بسیار ماهرانه و استادانه از جامعه جهانی و در رأس امریکا با پرچون فروشی متاعی به نام اکستریمیزم و افراطی گری جزیه میگیرند.

سؤال اینجا است که آیا عملیات نظامی مسلحانه بی سر و بی پاء نظامیان پاکستان در مناطق معین قبایلی پشتونستان که قبل از همه به کشتن، بستن و خانه خرابی های انسانهای بی گناه انجامیده و این تیاتر نظامیان پاکستان سبب شده تا هزاران انسان بی گناه از خانه و کاشانه شان رانده شده، و این نظامیان پاکستانی توانسته اند هر حرکت و شخصیت ملی و وطنخواه مردم پشتون و بلوچ را تحت نام و بهانه مبارزه علیه تروریسم سرکوب کرده و هر حرکت و شخصیتی که خارج از چینل و مسیر پاکستان به مذاکره و تفاهم نیک بین خویش و یا جانب افغانی حاضر و یا تمایل نشان داده است ترور و یا زندانی گردیده و ..... را میتوان مبارزه علیه تروریسم و اکستریمیزم نامید؟ به برداشت و تحلیل من نه این جزء پیگیری اهداف ستراتیژیکی پاکستان و پُسر کردن جیب های حکام آن کشور چیزی دیگری نیست.

سوالی مطرح است تاکی این سیاست دورویه، سیاست فریب کارانه پاکستان ادامه خواهد داشت و مردم منطقه و جهان قربانی خواهند داد؟

کی و بالاخره چه زمانی به این تجارت اشک و ماتم، خون و قتل که قربانیان آن مردم بی گناه منطقه و جهان اند و توسط نظامیان پاکستان ماهرانه به پیش برده میشود، خاتمه داده خواهد شد؟

چی وقت نقاب ها ازین چهره ها برداشته خواهد شد؟ و رسالت ما درین راستا چی است؟ چی کارهایی است که باید اجرا شود چی وقت ازین تجارت غیر انسانی جلوگیری میشود؟ این و دهها سؤال دیگری که بدون ارائه جواب دقیق و درست به آن ادامه ترژییدی مردم ما، مردم صلح دوست جهان و مردم بی گناه منطقه ما خواهد بود.

بلی افغانی ساختن مسأله افغانستان و حل مسایل افغانی توسط خود افغانها یکی از راز های سخن و حل مشکل است که پاکستان آنرا نیز درک کرده و با ایجاد موانع در برابر تحقق آن نمی گذارد مشکل افغانستان، منطقه و صلح کماحقه و هرچه زودتر بدون اولویت دادن و بدون حفظ اهداف ظالمانه دولت پاکستان حل گردد. آیا با وجود سیاست به جان انداختن افغانها و تشدید جنگ و برادر کشی در منطقه و افغانستان، میتوان دولت پاکستان را متحد خوب انسانیت و عضوی نیک جامعه نیک بشری دانست و یا خواند؟ جواب من به صورت قطع واضح است که نه.

بلی پالیسی سازان پاکستان با فریب و نیرنگ و داشتن کدر کافی در حلقات مختلف دولتی افغانستان و محلات به غرب و جامعه جهانی فریب میدهد. بلی پاکستان به کشور های جهانی و تاثیر گذار در سیاست جهانی در رأس ایالات متحده امریکا با فریب تأکید دارد: که شما در منطقه باقی نخواهید ماند و ما باید برای روز مبادا باید نیرو های معین حتی خارج از چوکات دولتی را در اختیار داشته باشیم که مانند ژاندارم منطقه از آنها در برابر روس، ایران و یا هم هر حرکتی که لازم باشد استفاده بداریم.

مقاومت و مخالفت صریح چندی قبل صدراعظم برحال پاکستان در برابر تدویر محاکمه سازماندهان اعمال تروریستی سال گذشته در هند که حلقات رهبری آی اس آی پاکستان را تشکیل میدهند، ایجاد موانع در تأمین صلح و مساعدت به امر ترور و دهشت نه به خاطر تحقق اهداف انسانی بلکه به خاطر تحقق اهداف ستراتیژیک شان در افغانستان و منطقه، و اخیراً تلاش پاکستان برای کسب سهم بیشتر در سرنوشت افغانستان، ترور و زندانی ساختن افراد و شخصیت هائی که برای تفاهم و مذاکره بین الافغانی خارج از چینل های پاکستانی اظهار آمادگی و عمل نموده اند، و بالاخره تلاش های اخیر مبنی بر ممانعت از تشکیل نیرو های نظامی و متکی به خود شدن افغانستان و بالاخره افغانی شدن مسایل و حل افغانی مسایل نمونه هائی از عملکرد هائی است که بر ادامه سیاست فریب و اغواگری پاکستان در برابر افغانستان و جامعه جهانی به صورت صریح دلالت میکند.

بلی پیشنهاد و طرح اخیر پاکستان مبنی بر استفاده و به کار گیری نیرو های مسلح کشور های اسلامی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ تلاشی است که اهداف نادرست و سیاه حلقات نظامی پاکستان را در قبال افغانستان کماکان در بر دارد. نقطه مرکزی و هدف اساسی این طرح پاکستان در واقعیت تلاشی است برای در حاشیه قرارداد برنامه و تشکیل، نیروی مسلح افغانی. نیروئی که به فهم پاکستان در مراحل بعدی از حقوق حقه مردم خویش دفاع کرده خواهد توانست. نیروئی که خواهد گذاشت اهداف شوم دشمنان وطن در افغانستان موفق شود. نیروئی که از اولاد وطن، مصالح و منافع کشور ما دفاع کند....

شواهد موثق در دست است که با پول های کمک شده غرب برای پاکستان تحت نام مبارزه علیه تروریسم، پاکستان توانست سلاح های متنوع و راکت های با بُرد بالا که سرحدات بخشی از کشور های شرق میانه و از جمله اسرائیل و عربستان سعودی میرسد، تهیه داشته و در اختیار دارد. اگر قرار باشد که امنیت پاکستان توسط کشور هند رقیب وی تحت خطر قرار میگیرد باید گفت که هند همسرحد پاکستان است، پس ساختن، انکشاف و بکار گیری ممکن این راکت های پاکستانی با این بُرد طولانی چه ارتباط به مبارزه علیه تروریسم و حمایت شان از خطر هند دارد؟

تحلیل های معین سیاسی تأکید دارند که سلاح اتمی پاکستان در واقعیت سلاح اتمی عربستان سعودی و این راکت های پاکستان برای حفاظت و در واقعیت راکت هائی اند برای اهداف عربستان سعودی. تصادفی هم نیست که حلقات معین حکومتی در عربستان سعودی در تلاش بازگرداندن آقای نواز شریف بر اریکه قدرت در پاکستان اند.

بلی پاکستان همچنان تلاش را برای رهبری و زعامت منطقه‌ئی و به نحوی زعامت جامعه اسلامی کار میکند و درین راستا تلاش دارد که ضرورت موجودیت و اهمیت خویش را با درتشنج باقی ماندن منطقه و جهان حفظ کند. بلی شواهد نشان میدهد که پاکستان در برابر افغانستان برنامه‌های الحاق مناطق معین این کشور را به خود دارد. طرح‌های کنفدرالی و یا هم .... پاکستان و افغانستان در همین چوکات و برنامه‌های پاکستانی پیشکش و دامن زده میشوند.

بلی برای تحقق این کار بخشی از حرکات و سازمانهای قوم‌گرا و متعصب را در شمال افغانستان نیز تمویل میدارند. شواهد، مسافرت‌ها و تعهدات پالیسی‌سازان پاکستان به عده‌ای از رهبران و قومندانان مطرح افغانی و بخش مطرح آن حتی در شمال کشور ما در سالهای نود قرن گذشته و بعد از آن شاهد این برنامه‌ها است که عده‌ای متأسفانه همین حالا هم نا آگاهانه و بدون خواست خویش در خدمت اهداف ستراتیژیکی فوق پاکستان قرار داده شده‌اند. وای به حال چنین اشخاص، حرکات و سازمانها با چنین کوتاه نظری و برخورد غیرافغانی و غیر وطنی بر قضایا. باید به خاطر داشت که مردم افغانستان در فرصت مناسب به حق این عمال بربادی وطن خواهد رسید.

بلی شواهد و قراین انکار ناپذیر نشان میدهند که پالیسی‌سازان اصلی پاکستان با دامن زدن تفرقه‌های قومی و برای حق تلفی در حق کتله بزرگی از افغانها با مساعدت به افکار فاشیستی و قومی‌گرائی و مجریان این سیاست‌ها در افغانستان زمینه تسلط دائمی خویش را در مناطق پشتون و بلوچ آماده ساخته‌اند. بلی حق تلفی در حق کتله بزرگ از هموطنان ما به نام قوم و محروم ساختن ایشان از قدرت دولتی و عملاً شکلی بودن شان در قدرت و اداره دولتی افغانستان خاصاً در ده سال اخیر آب به آسیاب پالیسی‌سازان پاکستانی ریخت و میریزد. تعجب آور و اغوای جهان و مردم جهان و از جمله پشتونهای منطقه ازین بیش نیست که آقای پرویز مشرف در زمان زمامداری خویش بر حکومت پاکستان و همین حالا از حق تلفی در حق مردم پشتون‌ها در افغانستان سخن میزند و بهره‌برداری سیاسی میکنند. شواهد نشان میدهد که پالیسی‌سازان پاکستان نه در غم پشتون و نه هم در غم اسلام‌اند. آنها صرف و صرف برای اهداف ستراتیژیکی خویش و برای پُرکردن جیب‌های خویش از هر وسیله مشروع و نامشروع استفاده می‌برند و عده‌ای از افغانها نیز عملاً با سیاست‌های غیر وطنی و یا هم ناخود آگاه در خدمت شان قرار گرفته‌اند.

بلی شواهد چنین نشان میدهد که پالیسی‌سازان اصلی پاکستان ماهرانه از جامعه جهانی و امریکا جزیه میگیرند. بلی عین پالیسی و عین روش کماکان استفاده میشود و آی اس آی پاکستان در موارد زیادی حکومت ملکی پاکستان در روشنی کامل قرار نداده و به این ترتیب حتی حکومت ملکی پاکستان، مردم خویش و جامعاً جهانی را ماهرانه با فریب و فتنه جدید مواجه و روبرو می‌سازند. بلی پاکستان تلاش دارد تا افغانستان به پای خویش استاده نشده و مردم افغانستان در کشور خویش بر خود مسلط نشده و سرنوشت خویش را در دست بگیرند.

قراررابورهای تربییون اکسپرس پالیسی‌سازان پاکستان و اخیراً آقای آصف علی زرداری رئیس جمهور (اداره ملکی؟! پاکستان در امریکا حین ملاقات با آقای باراک اوباما (۲۰۱۱/۰۱/۱۵ قصر سفید) در مورد پالیسی امریکا در برابر افغانستان چانه زنی‌هایی(!؟) داشته و در واقعیت خواهان سهم بیشتر پاکستان در سرنوشت افغانستان به بهانه‌های مختلف، مستقیم و غیر مستقیم شده‌اند.

نیروهای مسلح افغانی که فعلاً به ۱۵۰ هزارتن رسیده و قرار است تا اخیر سال به ۱۹۰ هزار برسد برای پالیسی‌سازان پاکستان موجب تشویش و نگرانی شده. ما میدانیم که نیروی افغانی موجب تشویش و نگرانی پاکستان به صورت عمده همانا موجودیت خط غیر مشروع دیورند است که ۱۱۷ سال از موجودیت آن میگذرد.

مسلم این است که با وجود اینکه پالیسی سازان پاکستان تحت نام مبارزه علیه تروریسم هر حرکت و شخصیت ملی پشتون و بلوچ را خاصاً درین دهه اخیر تحت نام مبارزه علیه تروریسم نابود کردند اما باز هم از داعیه به حق مردم پشتون و بلوچ در هراس اند و نمی خواهد در افغانستان مردم به سرنوشت خویش مسلط شده و داعیه به حق مردم و تلاش شان برای رسیدن به صلح پایدار در افغانستان قوت گرفته، تحقق یابد.

بلی پاکستان (۱۴/۱/۲۰۱۱) بعد از سال ۲۰۱۴ برای افغانستان حضور عساکر بعضی از کشور های اسلامی بی طرف (!؟) مانند مالیزیا، اندونیزیا و بنگله دیش را سفارش دارد و به این ترتیب می خواهد تا به پا استادن افغانستان و متکی شدن به خود را به نحوی ضعیف و یا هم درحاشیه قرار دهد. کاری که در طول سالهای طولانی اجراء نموده و موفقانه عملی کرده است.

پاکستان بهانه میاورد که گویا نیرو های مسلح افغان جوان و در آن قوم پشتون حضور لازم ندارند و این دو عامل سبب خواهد شد که بعد از سال ۲۰۱۴ مشکلات مردم افغانستان بیشتر شود و این نیروی نظامی نتواند از عهده اجرای وظایف محوله بدر آید.

سؤال درین جا است اگر کسی قصد کمک به مردم افغانستان را دارد چرا باید به سال ۲۰۱۴ انتظار کشید. آیا با آمدن نیروهای نظامی کشور ها اسلامی که پاکستان پیشنهاد آنرا درین مقطع مطرح میکند مسأله و مشکلی ملی بودن و عدم ملی بودن اردوی افغانستان را حل خواهد کرد؟ واقعیت چنین است و تمام شواهد نشان میدهد که پالیسی سازان اصلی پاکستان با درک این واقعیت که جامعه جهانی مصمم است که اردو و قوای امنیتی افغانی را ایجاد و تقویت خواهد کرد و این برنامه را روی دست دارند. به همین ملحوظ درین مقطع زمانی پاکستان میخواهد ازین طریق از به وجود آمدن نیرو های مسلح افغانی جلوگیری نموده و کینه شان براین افغانستان متکی به خود کما کان ادامه دارد. بلی پاکستان چطور خواهد گذاشت که افغانستان دارای قوای مسلح و متکی امنیتی به خود باشد درحالیکه عده ای از رهبران سیاسی آن کشور (آقای نواز شریف صدراعظم وقت پاکستان) به از بین بردن و تارو مار ساختن اردوی افغانستان در سالهای نود قرن گذشته علناً مباحثات داشته و ازین کار خود به نفع پاکستان بهره برداری کردند.

به فهم من بر مسؤلین امور در افغانستان و آنهائیکه برای منافع و مصالح کشوری میاندشند و در افغانستان خواهان پایان دادن جنگ و ماتم اند و نمی خواهند دست شان دیگر به خون مسلمانان و اولاد وطن آغشته باشد، است تا اردوی ملی، غیر سیاسی که متشکل از تمام اقشار و ملیت های مردم افغانستان باشد ایجاد بدارند. اردویی که غیر سیاسی و غیر قومی و برای دفاع از منافع و مصالح کشور ایجاد و تقویت گردد. اردو و قوای مسلحی که دساتیر مراجع مشروع سیاسی کشور را برای حفظ و نگهداری کشور و حمایه قانون و حاکمیت مردم تحقق و در عمل پیاده بدارد.

اردو و مراجع امنیتی کشور باید توسط افرادی رهبری شوند که مردم به وطن دوستی و خدمت گاری شان برای افغانستان معتقد باشند. مسلم است عده ای که در رهبری این ادارات به عملی کردن ستراتیژی های حزبی و سمتی خویش مصروف اند میتوانند ضرر هائی را به کشور و مراجع امنیتی و نظامی کشور مواجه سازند که مشروعیت این ادارات را مورد سؤال قرار داده و برای اهداف دشمنان و خاصاً پالیسی سازان پاکستانی عملاً خدمت خواهند کرد. ضرورت است تا برای ساختن جامعه مدنی و قوای امنیتی و اردویی کار کرد که به اساس تابعیت، مراعات قانون و شایسته و مسلکی بودن خدمت نمایند.

مردم ما چشم و گوش باز، درایت کافی و فهم لازم سیاسی دارند و به دقت درک خواهند کرد که کی ها درین راستا با روش های غیر وطنی درخدت حلقات خورد قومی و سمتی کار مینمایند و زمینیه را برای اجانب و دشمنان افغانستان در سطح ملی و بین المللی آماده میسازند. این نیرو و ها و افراد نتایج عمل کرد های بد و نافرجام خود را خواهند یافت. نزد الله تعالی و مردم منفور خواهند شد.

بلی جهان روز به روز کوچک شده و همه ما به یک دیگر ضرورت داریم. ما از مساعدت های کنفرانس کشور های اسلامی استقبال و خواهان مساعدت کشور های اسلامی میباشیم، اما بخشی از وظایف است که بالاخره باید خود افغانها اجراء و عمل بدارند و خود به پای خود استاده شده، مالک کشور خویش گردند. بلی مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است و تفاهم نیرو های واقعی سیاسی بر زندگی مشترک در خانه مشترک است که بدون تخطی از اصول و برنامه های به حق ما باید صورت گیرد. ما تازمانیکه برای این امر صادقانه کار ننمائیم مشکل ما حل نشده و کاری به جانی نخواهیم رسانید.

بر ماست تا حقایق را درک کرده، دشمنان وطن را شناسائی و به موقع دسایس شان را از هر قماشیه که باشند افشاء و دریک صف واحد برای اهداف مشترک وطنی کار و ادای رسالت نمائیم.

بر ماست تا قبل ازینکه از اعمال و برنامه های شوم و غیر انسانی دیگران شکایت کنیم باید خود را جمع و جور ساخته به نیروئی مبدل گردیده و به تراژیدی کشور و مردم خود پایان بخشیده و ممد صلح جهانی گردیم. فاعتبروا یا اولابصار

درنووظنوالو او قدرمنو لوستونکو! تاسی کولای شی دپاکستانی دراصلی پالیسی سازانو ددوه مخه سیاسیت په هکله د امریکا غر دانشنا رادیو د ۱۱/۰۱/۲۰۱۱ نیټی دمانبامانی، خبرواترو- پروگرام په برخه کی دداکټر صلاح الدین سعیدی- سعیدافغانی مصاحبه هم واورئ.

Please listen to approx 40 minutes of audio where

Dr. Sal Sayedi is interviewed about this issue on radio VOA Pashto on 15/01/2011 afternoon -

<http://www.voanews.com/wm/voa/sca/pash/pash1430aSAT.aspx>.

Email:

[strategicstudies@yahoo.com](mailto:strategicstudies@yahoo.com)

**یادداشت:**

به مثابه حسن ختام به دنبال نوشته همکار گرامی ما باید افزود:

ما این اردوئی را که فعلاً با هزار "الله و بسم الله" می خواهند به حیث "اردوی ملی افغانستان" تبلیغ نمایند، تنها بدان خاطر به مثابه اردوی ملی به رسمیت بشناسیم که در ترکیب خود عناصر و نسبت اقوام و ملیت های افغانستان را در نظر نگرفته است. برای این اردو که فاقد روحیه ملی و برای حفظ منافع استعمار به وجود آمده است اگر ترکیب آن صد در صد هم از یک قوم مثلاً پشتون، تاجیک و یا دیگران گردد و به مانند ارتش جنایتکار طالب و یا دزدان وابسته به شورای نظار به یک قوم هم تعلق داشته باشند در خدمت اجانب قرار داشتند، هیچ گاهی حیثیت اردوی ملی را نخواهد یافت. در قدم اول آن اردوئی شایستگی آن را دارد تا به مثابه "اردوی ملی" یاد گردد که حافظ منافع ملی کشور بوده تکامل خویش را در تقابل با اراده استعمارگران و سایر و دشمنان میهن ببیند نه در سازش و میهن فروشی.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA